

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگی نامه

علامه حسن حسن زاده آملی حفظه الله



کاری از واحد فرهنگی هیئت سائلین حضرت زینب سلام الله علیها

قلب الصبور

www.s-zeynab.ir

شیخ عارف، کامل مکمل، واصل به مقام منبع قرب فریضه، حضرت راقی به قله های معارف الهی، و نائل به قله بلند و رفیع اجتهاد در علوم عقلیه و نقلیه، صاحب علم و عمل، و طود عظیم تحقیق و تفکیر، جبر فاخر و بحر زاخر و علم علم، عارف مکاشف ربانی، فقیه صمدانی عالم به ریاضیات عالیه از هیئت و حساب و هندسه، عالم به علوم غریبه و متحقق به حقائق الهیه و اسرار سبحانیه، مفسر تفسیر انفسی قرآن فرقان، استاد اکبر، معلم اخلاق، مراقب ادب مع الله و مکمل نفوس شیقه الی الکمال، آیه الله العظمی حضرت علامه ذوالفنون جناب حسن بن عبدالله طبری آملی (حفظه الله تعالی) که به «حسن زاده» شهرت دارند.

زندگینامه

در اواخر سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در روستای ایرای لاریجان آمل متولد و در تحت مراقبت پدر و مادری الهی، بزرگوار و اهل یقین، تربیت یافتند. در حالی که شش ساله بودند، به مکتبخانه خدمت یک معلم روحانی شرفیاب شدند و پیش او خواندن و نوشتن یاد گرفتند و تعدادی از جزوات متداول در مکتبخانه های آن زمان را خواندند، تا اینکه در خردسالی تمام قرآن را به خوبی یاد گرفتند. پس از آن وارد دوره ابتدایی شدند. تاریخ ورود حضرت استاد (حفظه الله تعالی) به حوزه علمیه مهرماه سال ۱۳۲۳ هجری شمسی مطابق با شوال المکرم سال ۱۳۶۳ هجری قمری بود.

اساتید

آیت الله الهی قمشه ای (رحمة الله تعالی علیه)	علامه جناب آیه الله آشیخ محمد تقی آملی (رحمة الله تعالی علیه)
استاد محمد حسین فاضل تونی (رحمة الله تعالی علیه)	جناب آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی (رحمة الله تعالی علیه)
حاج شیخ علی محمد جولستانی (رحمة الله تعالی علیه)	علامه سید محمد حسین طباطبائی (رحمة الله علیه)
علامه محمد حسن الهی طباطبائی (رحمة الله علیه)	حاج سید مهدی قاضی تبریزی (رحمة الله علیه)
علامه رفیعی قزوینی (رحمة الله تعالی علیه)	

تالیفات

همچنین کتب و رساله های بسیاری از ایشان موجود است. از آن میان، می توان به این عناوین اشاره کرد:

دروس معرفت نفس، نهج الولایه، رساله انسان در عرف عرفان، ریاضیایب و هیات، رساله نور علی نور، ذکر و ذاکر و مذکور، دیوان اشعار، گشتی در حرکت، انه الحق، نهج الولایه، انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، الهی نامه، وحدت از دیدگاه عارف و حکیم، انسان و قرآن، آغاز و انجام، نامه ها برنامه ها، گنجینه گوهر روان، اتحاد عاقل به معقول، صدکلمه در معرفت نفس، عیون مسائل النفس، نصوص الحکم برفصوص الحکم، ولایت تکوینی، و ...

توصیه هایی از علامه حسن زاده آملی

دهان روح و تن

انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم اند. انسان باید خیلی مواظب آن ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن هایی که هرزه خوراک می شوند، هرزه کار می گردند. کسانی که هرزه شنو می شوند، هرزه گو می گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی نیاز

نیست و آبها گوناگون اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه اش شیرین خواهد بود؛ و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است. خود عمل، حاکی است که از چه آبی روپیده شده است.

وقت اندک و کار بسیار

بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت بکاری و غرس کنی. این جا را دریاب، این جا جای تجارت و کسب و کار است؛ و وقت هم خیلی کم است. وقت خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش» شتران تشنه را می بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می کوشند و می شتابند و از یکدیگر سبقت می گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج های رحمان اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این جای خودشان مبتلا شده اند.» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست بسازیم.

همچنین علامه بزرگوار در کتاب هزارویک کلمه (کلمه ۲۲۷) شرح حالی از زندگی خویش بیان فرموده اند که می توانید با مراجعه به این کتاب آن را مطالعه نمایید.

شرح حال حضرت علامه به نظم و از زبان خود ایشان در غالب شعر "من کیستم"

ای بلبان بوستان من کیستم من کیستم؟

لفظ حسن شد نام من از گفت باب و مام من

گر لفظ خیزد از میان من کیستم من کیستم؟
www.s-zeynab.ir

بگذشته ام از اسم و رسم مر خویش را بینم طلسم

آیا شود گردد عیان من کیستم من کیستم؟

اطوار خلقت را بین انوار رحمت را بین

در این جهان بیکران من کیستم من کیستم؟

گاهی چرا آشفته ام گاهی چرا بشکفته ام

گاهی نه این هستم نه آن من کیستم من کیستم؟

شادان و خندانم چرا؟ گویان و بریانم چرا؟

بهر چه خواهم آب و نان من کیستم من کیستم؟

دست و دهان و گوش چیست عقل و شعور و هوش چیست

در حیرتم از جسم و جان من کیستم من کیستم؟

این است دائم پیشه ام کز خویش در اندیشه ام

گشته مرا ورد زبان من کیستم من کیستم؟

این درس و بحث و مدرسه افزود بر من وسوسه

دردم بود ای همرهان من کیستم من کیستم؟

ای آسمان و ای زمین ای آفتاب نازنین

ای ماه و ای ستارگان من کیستم من کیستم؟

ای صاحب دار وجود ای پادشاه فضل و جود

ای از توام نام و نشان من کیستم من کیستم؟

دست من و دامان تو گوش من و فرمان تو

از بند رنجم وا رهان من کیستم من کیستم؟

تا کی حسن نالد چو نی تا کی بگرید پی به پی

گوید به صد آه و فغان من کیستم من کیستم؟!

هر چه گفتیم تنها قطره ای است از اقیانوس بیکران علوم و حیاتی که جناب ابوالفضائل ، علامه ذوالفنون حسن زاده آملی حفظه الله تعالی در سینه ی خود گنجانده اند. سینه ای که در آن گنجینه ای گرانبها سرشار از اسرار الهی گنجانده شده و خود ایشان به اندازه فهم ما گوشه ای از آن را برایمان بازگو کرده اند...